

## موضوع: آینده محتوم و اسلوب مدیریتی آن

آنچه ما نداریم همان هائی بوده است که می توانستیم داشته باشیم و هر گونه تحریم های خارجی قادر به انسداد و دیوارکشی بین این توانائی طبیعی و ذاتی و ضرورت های اولویت دار ما نبوده است ، ولی آنچه نمی توانستیم یا ظرفیت و امکانات آن بموقع مهیا نبوده است، در اولویت ما قرار گرفت و دقیقاً همان هائی بود که دشمن مدعی ما ، نسبت به تحریم آنها مبادرت نمود ، این بزرگترین پارادوکسیال کشور ما و سایر کشورهای دیگر با احساسی ناشی از عرض حال علمی و فناوری یا اتکاء به قدرت های که در حوادث مقدرانه جهان حبابی بودن آنها آشکار میشود، بوده است و سیر حوادث نا خود ساخته و خارج از اراده دولت ها و صاحبان قدرت روی زمین ، تناقضات تصمیم سازی و تصمیم گیری مدیریتی جهان را آشکار کرده است . فرضیه های زیر حقیقت صدق این سخن را معلوم میکند:

1. انگاره ها ، انگاشته ها یا فرضیه ها ، حدس و گمان ها از ذهن حسّی بوده که عده ای از پیروان شناخت عینی بر حسب پدیده شناسی، یک حدس حسّی با منطقی بسیطی که با آزمون پذیری با روش های دلفی ، فازی و یا تضارب افکار و جرّ و بحث های به اصطلاح علمی ، کاشف حقایق جهان نبوده و برای پیش بینی های آینده ، یک گمانه زنی با ابزاری های تحلیلی منبعث از همین انگار ها و گمان ها دنبال میکنند و آینده مطمئنی را برای طراحی و برنامه ریزی ضرورت های حقیقی آینده در اختیار متخصصان و شرکت های دانش بینان قرار نمیدهند ، لذا آنچه ما به عنوان توسعه علمی و فناوری در حوزه های تولیدی محصولات و خدمات مشاهده میکنیم ، ادامه روند گذشته است .
2. آنچه در کشف و شهود ما در سخن فوق ملاحظه میشود ، منافعی را برای کل جامعه بشری رقم نمی زند ، لذا بعضاً انتظار دارند که نظام الکترونیکی فعلی جهان که بشدت در حال توسعه است ، بتواند با نوعی از همگرایی ها و هم افزائی ها و تمرکز دادن جمهور انسان ها در چرخه های سیستماتیک ICT یک فرهنگ همبستگی با مشارکت های اجتماعی را بسوی ضرورت های حقیقی و فطری و لجستیک عدالت توزیعی فراهم آورد و هرمنوتیکی در خور این ضرورت را برای توسعه و پیشرفت آنچه باید داشته باشیم و آنچه نباید داشته باشیم ( قاعده سلب و ایجاب) برای محققان و خلاقان جهان تعیین تکلیف ( قاعده: تکلیف ، حقوق ، صدق) و مسلم نموده و در عمل استاندارد نماید ، در حال حاضر رخداد امید کننده ای را برای آینده نامعلوم ما ، این چنین نوید نمیدهد ( جزء اندکی که با یک گل ، بهار نمی شود به ذهن متبادر می شود!)
3. ما در حال حاضر دوچار یک فرایند فراتر انقلابی ناشناخته شده ایم ، احساس ما تهی از این جریان نیست ، ولی آنقدر خاکستری است که مدلی مشخصی را برای زندگی به لحاظ شاخص ها ، مناط های فنی ، ضرایب و سنجه های ابزاری و جنبه های روشنی برای طراحی و برنامه ریزی در پیش روی تحصیل کرده ها قرار نمی دهد، می توان از آن داستان های جذابی برای ارواح و اشباح ، فیلم های مهیج ، شبیه سازی های تحریک کننده ساخت که نشانه

های مبهمی است که انسان از ابر و مه ، طوفان ، سونامی ها ، آتش گرفتن جنگل ها ، همه گیری جهانی بیماری ها و غیره در رابطه با تشخیص های فطری حسن و قبح عقلی خود یا خیال پردازی باشد که باعث گرایشاتی مقطعی بسوی پرهیزگاری محدود را فراهم میکند و پس از سپری شدن آشوب مبتلابه ، مثل میلیون اسناد وقصه های راستین روزگارها به انبار بایگانی سپرده میشود و تشخیص نظم هایی که بتوانیم با توانائی علمی حاضر، آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و آینده ای مطمئن از آنها به زعم خودمان پیش بینی نمائیم، فعلاً مقدور نیست ، جزء آنکه برداشتهای کلی و داستان گونه با اسلوب های هشدار دهنده ، سخنرانی های مهیج ، کتاب های پر طمطراق آینده نگری و نظایر اینها بر مشغولیات جهان افزوده میشود ، ولی سهم نشانه ها قدرت و سرمایه داری در این داستان سرائی ها ، چگالی بزرگی را بخود اختصاص داده است که می توان از آنها ، فیلم ها ی مهیج و با نشاط ساخت ، ولی شکم گرسنه ها و پابرهنگان دنیا که بعضاً کوکی گل بجای غذا می خوردند ، پر نمی کند.

4. بشریت امروز ما دارای آرمان واحدی نیست ، به لحاظ حرکت جوهری و یا اصول و حیانی و یا با ماهیت و محتوای دیگر ، دارای شالوده و ساختار مشخصی نیست ، چون دارای شاخص های کمی و کیفی نمی باشد که به استاندارد های لازم در اجرای احکام و آموزه های مربوطه تعلق گیرد و تا چیزی از کل گوئی ما به اجزاء ، ملاک ها و معیارها و ابزار های سنجش و اندازه گیری تبدیل نمی شود ، موضوعات مطروحه در ابهام باقی خواهند ماند ، علوم و فنونی که امروز در اختیار داریم و آنها ها قدرت و توانائی خود به شمار می آوریم و یا حداقل ، بسیاری از فرصت ها و ظرفیت های ادعای خود را با همین میزان و پیمانها و سنجها اندازه گیری میکنیم و ابزارها و دستگاه های ساخته شده نیز در ارزیابی تطبیقی به همین سنجها طراحی و ساخته شده است ، بیش از این نمی تواند با کمک این ابزار ها از این فراتر برآورد.

5. بسته علمی و فناوری امروز ما ، برای بسیاری از ضرورت های بشر امروزی دارای استعداد های لازم نیست یا ما بیش از این از این ذوات و جنسیت ها ، تجرید ، ترکیب ها و شالوده های استفاده نمی کنیم و شاید روش های علمی و فناوری ما و مدیریتی ما و آنچه ما از بسته بندی های علمی بصورت الگوریتم ، مدل ، مند ، تحلیل های ریاضی و غیره که در رشته های تحصیلی به مستندات و مدارج علمی تعبیر و تفسیر میشود ، حجابی بین ما و ظرفیت های نهان علم و دانش برقرار کرده است و ما باید مساعی خودمان مصروف این بخش از توسعه بکنیم که همانطور که عرض کردم ، تا کنون یک روند طولی را به نمایش گذاشته و در معرض آن ، نبردی در خور فهم یا مشاهده ملاحظه نمی شود ، ادعاهای مطروحه در این باب ، دارای شیوه نامه کارکردی لازم را ارائه نداده است.

6. دانشمندان امروزی بین مرگ ( به معنی اعم کلمه ) و حیات ( بمعنی اعم کلمه ) ، یک پارادوکس می بینند که خود همین پارادوکس از استعداد مربوط به حوزه ذهنی بیشتر نیست ، من این تناقض را به "امید" و "ناامیدی" تفسیر کرده و عرض میکنم ، بین امید و ناامیدی بشریت امروز ترازوی وجود ندارد ، آنهائیکه از بالانس جهانی قلم فرسائی میکنند ، حتی قادر نیستند بین موضوع کار یا شغل و موضوع زندگی ، یک بالانس علمی و عمل کردی را به تجربه بگذارند ، بمعنی اعم کلمه بقا و فنا که تعبیر از حیات و مرگ است ، تقریباً در همه چیز از اقتصاد، سیاست ، فرهنگ و غیره ، یک نظارت و کنترل جامع را بسوی خواست به حق مردم جهان سیستمند نکرده است ، معیشت یکی از کلماتی است که برای بقا و فنا معنی دار است ، شما میتوانید در مورد آموزش و تربیت نسل جدید و آینده ، خانواده ، همزیستی ، مشارکت های اجتماعی و صدها مورد دیگر ( در هزاران مقالات من و دیگران ) که با معیشت و سایر تمثیلت امور در یک بسته پارادوکسیکال هم درد می شوند ، به این نکته مهم توجه کنید که سهم بزرگی از امور جهان در این مورد رها شده است و وقتی یک بحران یا چالشی در میگیرد ، این رها شدگی خودش را به وضوح نشان میدهد.

7. بین عقلانیت و جنون که در تصمیم گیری های مدیریتی نقش بارز ایفاء میکند ، در عمل فاصله چندانی نمی بینی ، بخشی از تحلیل فاصله به سرمایه داری لجام گسیخته مربوط میشود که با روح دنیا پرستی و تکاثر ملازمه دارد ، اصولاً هر چیز که لجام گسیخته شد ( اعم از شرّ و خیر ) ، بی نظمی خود را با بخش های حیات به اشتراک میگذارد و از این مشارکت ها خاصیتی در خور به اختیار و تفویض ها و تراز بین مسئولیت و آزادی مسیر نمی شود ، فراتر از انضباط های دستوری ما است ، گاهی انضباط فطری و جهادی بکمک آمده و سهم بزرگی از مشکلات را حل میکند ، ولی برای نهادینه کردن در اسلوب های مدیریتی ، وجه قهری آن بر وجه اختیاری رجحان پیدا میکند که در آشوب ها عین صواب است و از باب استصواب ( مثل سیاست کلی ) مثل قانون و مقررات دائمی ، توجیه ندارد و با میزان آزادی و اختیار انسان ، موجه به نظر نمی رسد ، چون اگر میزان و حدود و ثغور آنها معلوم و تعیین حدود نشود ، اگر به موقع و زمان مقتضی اجراء نشود خودش به بی نظمی های ناشی از رفتار های انسان ، تولید مزاحمت میکند ، چون احکام استصوابی بر اساس مدیریت اقتضائی است و از تدابیر دائمی و قانون مستمر نیست ، مثل حد و حدود دموکراسی است که از کشوری به کشور دیگر فرق میکند و مثل قوانین هر کشور که برای خودش اعتبار دارد .

8. دولت های به اصطلاح پر قدرت برای نابودی و یا تضعیف دولت هایی که حاضر نیستند تابع آنها باشند ، امکانات تخریبی عظیمی را تدارک کرده اند این بخش از نبرد های خصمانه که با تنوع خود ، جهان حاضر را پر کرده ، بر بی نظمی های ناشی از موارد مطروحه فوق می افزاید و هراس از آسمان و زمین و اطراف و اکناف محیط نامنی را مستولی ساخته است و سازمان امنیت جهانی قدرتی برای صیانت از امنیت مردم ندارند ، بعضی ها ترساندن مردم را از بعضی امور موهوم افزایش دادند و بعضی چون خودشان میترسند ، این هراسناکی را به اشتراک گذاشتند ، امنیت برای هیچ کشوری وجود ندارد ، چه آنهاییکه آزاد هستند و اسلحه حمل کنند و چه آنهاییکه اجازه حمل یک چاقو را هم ندارند ، ولی ناخود آگاه ، فضا جهانی طوری تنظیم شده است که دیگر استفاده از هزاران موشک مجهز به کلاهک هسته ای در این فضای ترسناک حتی ترس از سایه خود ، جرئت پرتاب این موشک ها را ندارند ، گویا جنگ هسته ای برای جنگ بعدی مطرح نیست ، انسان بین امید به زنده بودن و یا مرگ آبی ، یک وضعیت ناپایدار دارد ، در سطح دولت ها ، وجود چنین روحیه ای در انسان ها ، به تضعیف نظارت و کنترل در امور منجر شده و لذا تاکید بر شاخص ها و استانداردها را می افزاید ، در غیر این صورت مطالبات مردم در یک حالت روانشناسانه بی تفاوتی استقرار تدریجی دارد!

9. ترکیب های نامتعادل و غیر هم نسخ و بخصوص باروش های حسی - ابطالی و مطرود ، ما را به ضعف دانش در ترکیب ها ، آمیزه ها ، آمیخته ها ، آلیاژها ، و سرهم کردن ها ، معطوف میکند ، البته آنهاییکه باین سرهم کردن ها مشغول هستند و با طمطراق های رنگارنگ و پر زرق برق در رسانه ها نمایش میدهند از این اندیش انگاری نظیر من رنجیده خاطر شده و شاید عصبانی هم بشوند ، مخالفت با این بسته بندی های لاکچری ، پول ساز ، بازار ساز و سازهای خوش نواز دیگر ، البته برای همه اصحاب بسته بندی های از سازنده ، فروشنده ، دلال ، تبلیغ کننده و مشتری هدف و غیره یک مانع تراشی محسوب میشود ، قاعده این است که باید روند ها بر اساس سلاقی و هوس ها و غیر ضرورت ها به پیش برود ، این بخش هم در بحران ها گاهی تعطیل و جامعه ای درکی برای نیاز ضرورت حقیقی خود احساس میکند ، که قبلاً موقعیت و فرصت تبلور آن مسیر نبوده است ، بعضی از این روند ها نهایتاً محکوم به تعطیلی یا نابودی میگردند ، پس یک سلب و ایجابی وجود دارد که با مطلوبیت های متعارف مردم بیگانه است ، عده کمی آنرا مطلوب میدانند ، بعضی دیگر ناچاراً تبعیت میکنند و به تدریج عادت میکنند

واگرمحققان و خلاقان به مرز های جدیدی از دانش راه یافتند ، بیشتر آنها ادامه چنین روند هایی را قهری و یا مسلمات سلیقه ای خواهند دانست .

10. خوشبینانه (Optimistic) یا بدبینانه (Pessimistic) بودن نگاه انسان ها و جمع بست مجموعه ای آن در سیاست های صنعتی ، تجاری ، بانکی و غیره از سوی دولت ها ، تأثیرات پنهان و آشکاری در اقتصاد و اموراتجتماعی و راهبردی های حکومت ها مدخلیت داشته و دارد، بخصوص آنجا که از رفاقت در بحران ها و آشوب های ملی و فراملی ، از ظرفیت ملت می توان در جهت سیاست های دولت نیروی پشتیبان بوجود آورد ، اما اگر روزی که انسان توانست نگاه مقطعی خود را به دیدگاه دائمی در مسیر رشد و تکامل خود و جامعه معطوف کند ، بسیاری از این سیاست ها فرومی ریزد ! ، آیا ما در آینده محتوم خود ، شمه ای از این دیدگاه ها را خواهیم داشت ، از کشف و شهود هایی که به انسان الهام میشود ، سهمی در آینده حقیقی خود خواهیم داشت؟، آزمون این فرضیه با ابزار فعلی میسر نیست، به پنجره های شهودی زیادی در این مورد نیاز داریم.

11. از گذشته کاملاً متفاوت با شرایط امروز نمی توان برای حل مشکلات ، بحران و آینده ای مطمئن از برگشت به عقب (regression) استفاده کرد و با تبعیت از جریان های گرافی برای آینده ای مطلوب رسم کرد ، مثلاً از همین روند های درآمدی و با حیل بازی با ریاضی ضریب جینی را نشان داد که حاکی از عدالت گسترده کشورها است ، ولی وقتی قبول میکنیم که برای امت وسط ، حد میانه خوبست و پسندیده است بشرطی که انحراف از معیار سهمی از میلیون باشد ، نه اینکه درآمد فردی یک هزارم شهروند دیگر است ولی ضریب جینی که مردم التفاتی به این نوع منحنی ها هم ندارند و به حقیقت موضوع کار ندارد برای آمارهای مقتضی کاربرد دارد ، در اینجا یک مطلب کلیدی به سخنان ما اضافه میشود و آن اینست که نمی خواهیم به این حقایق پای بند باشیم ، چون نمی خواهیم ، پس نمی توانیم مشی توانستن را تمرین کنیم و چون مشی توانستن را سرلوحه مساعی خود قرار نمی دهیم ، پس آینده ما بهتر از امروز ما نیست .

12. امروز کسی رئیس جهان نیست ، ریاست تک قطبی بطور طبیعی طرد شده است ، ارباب – رعیتی بد نام شده است ، منافع هر کشور بوسیله خود همان کشور تعیین تکلیف میشود ، در میان جمهور شهروندان هر کشور با این شرط که منافع در لجستیک عدالت توزیعی برای همه نیازهای منصفانه به احاد ملت تعلق میگیرد ، موقعیت تصمیم گیری سیاسیون را با حساسیت های صیانت از دولت خود در این رابطه تحلیل میکند، معمولاً فاصله دولت ها با مردم به دلایلی زیادی که برای همه روشن است زیاد است ، بین دولت و شهروندان کشور ، در افزودن ارزش افزوده و تقسیم عادلانه آن ، جوهر همگرایی و هم افزایی بوجود نیامده است ، افزایش ارزش افزوده که مستلزم پاداش است ، بدون پرداختن به ماهیت حقیقی آن ، از هرکس از تولید کننده و مصرف کننده وصول میکنند، این قاعده منوط به بخشی از مناط های فنی اجتماعی است؟ با توصیه و اخطارها و هشدارها هیچ جزء فنی در کالبد سیستم کلی کشور ایجاد نمی شود ، به وحدت و اعتماد عمومی به خود و نظام حکمران با بخشی از مردم نیز مکفی نخواهد بود ، ریشه های آن در تبعیض ها و بی تفاوتی ؛ رها شدگی ها ، و خودکامگی در بحران ها آشکار میگردد ، اینها ربطی به تحریم ندارد ، تشخیص چنین آموزه هائی ، راه را برای برقراری آینده ای مطمئن میگذشاید و برای جهان الگو ساز است، روزی که توانستیم بین حق و باطل را تشخیص دهیم و به بالانس حقوق مردم و معیشت آنها فائل آئیم از هیچ بحرانی نباید بترسیم ، این جوهر ترس غربی است.

13. ما درس بزرگی از پدیده همه گیری پیدا کردیم ، اگر چه تاکنون بطور قهری بوده است ولی بسیاری از رخدادهای تبعی آن قهری و قسری نبوده است مثل فعالیت های بسیجی ، همیاری های مومنانه و مهربانانه ، خیریه ها و اقدامات خودجوش ملی ، در همه کشورها بطور طبیعی و با تبعیت از وجدان بیدار ، فطرت و عقل سلیم ، نوع

دوستی و انس و الفت بخش بزرگی از شهروندان هر کشور را به این مشارکت ها متمایل کرده است، لیکن وقتی پدیده همه گیری پایان می یابد ، این شور و اشتیاق نیز تمام میشود و کمتر به نهاد رسمی- خصوصی برای جایگزینی در ساختار آینده استفاده میشود ، چنین مدل های اجرایی از هم دلی و هم کاری و هم جوشی و بطور کلی از درون انسان با کشف و شهود حقیقی بروز میکند ، شناخت عینی با شناخت شهودی آمیزه ای جدیدی از علیت تولید میکند که از نگاه فلسفه استعلائی از افعال فعل النفس و برخوردار از علم النفس است ، مردم کاری به این اصطلاحات و واژگان ندارند ، مایه ها و خمیر مایه های آن در درون انسان خیر خواه نهادینه شده و در همه گیری ، قابل تسری است ، ادامه این افعال به الملکه و نفسانی ، مارا به یک آینده مطمئن راهنمایی میکند، آیا می توان فرضیه های این حقایق را در آزمون های متعارف امروز گنجاند؟

14. روش های کنونی با تشکیل مشارکت های اجتماعی با این شیوه های درون داد انسانی که از انس تحصیل حضوری دارد ، فرضیه های چندی را برای تشکیل شالودهها و ساختاری های بنیادین آینده نومید میدهد ، این نشانه های بارزی در پیش روی سردمداران است ، بشرط اینکه سردمداران از همین اهالی باشند ، هر گونه عاریت گرفتن از فراگرد های خارج از درون و رویه سازی و یا تقلید از استعارات ، مارا از هدف آینده نگری ناب دور میکند ، آن کشف و شهودی که می توان از درون گرفت و توانستن را با آن تراز کرد با تقلید نمی توان بدست آورد ، تقلید یعنی سکوت ظرفیت های درون و گدائی از برون دادهای متروک و کهنه دیگران که من چنین سکوتی را **مرگ** می نامم و فاصله بین مرگ و حیات یا فنا و بقا در همین جریده یا نظام **فرهنگ برهانی** فهم میشود، حرکت فراتقلابی از درون به بیرون با هزاران قاعده و آئین نوشته شده در قواعد مدیریت دانش مفید از سیر حکمت و فلسفه متعالی در باب مدیریت، وام نگیرید و از خود بتروانید ، که اگر این تراویدن نباشد ، آن وام را هم نخواهی توانست مستهلک کنید، پاسخ مورد نیاز دنیا در این گونه بیانیه های نهفته است.

15. دهکده جهانی که به لحاظ عصر اطلاعات بما دیکته شد ، نویدی در بر نداشت ولی در طلایعه دیکته سازی خود ، یک خبر خوش و یک مژدگانی شمع انگیز بود ، از چیزی بشارت داده شد که در افق دور دست هم ، مارا یاری نکرد ، عصر اطلاعات کمک کرد که نوع چپاول از حالت فیزیکی به دیجیتالی تبدیل شود ، بانکداری انحصاری برای تحریم ها باشد، بطوریکه مرز نشینان دو کشور همجوار را مبتلا کرد ، حریم ها شکسته و نوامیس را مخدوش و بین موجودیت های واجب و غیر واجب ، اختلاط بوجود آورد ، حق و باطل را درهم آمیخته ، فاصله نجومی بین غنی و فقیر ایجاد کرده است ، مفهوم "دهکده" که نشان از عشیره و طایفه هم دست واقوام بهم بسته و یاران وفادار در سختی ها و حوادث روزگار میباشد به یک بازار قرمز و یک اقیانوس پرتلاطم و حکومت جنگل و نظایر اینها تبدیل گردید و از همین نشانه شناسی پیداست که بقیه آینده های ترسیم شده ساخت بشر دنیا پرست ، آینده ای بدتر از زمان ما نخواهد بود، ما بعضی مواقع به چیزهای مهم و پوچ و حبابی دچار میشویم ، این عادت نگاشتی ما است ، یا افراط از الگو گرفتن که بیک تقلید کورکورانه مبدل شده میشوند ، واقعاً این پروتکل جهانی را که مارا مجاب کرده که بنده باشیم ، با تبعیت از این بندگی ، راه آزادی و استقلال بر ما و سایر ملل بسته است ، آینده همین است که امروز ما بهتر از فردا و بدتر از دیروز خواهد بود.

16. بیک تعبیر اکو سیستم ها و زیست بوم ها و زیستگاه های طبیعی و معرفتی خود را نمی شناسیم ، این موضوع در قاعده سالبه به انتفاع موضوع ، خود یک پاندمیک یا همه گیری جهانی است (pandemic)، نظیر این گونه همه گیری جهانی را کم نداریم ، خوشحال شدیم که غذای ایرانی همه گیر شده است ولی صدای اطوار لاکچری مآب ما را در آغوش خود میفشارد ، اگر لباس پوشیدن ، شب نشینی ، عروسی ، سفر و حضر و صدها فعالیت دیگر اجتماعی ما رنگ و بوی ینگه دنیا داشته باشد ، آن وقت احساس خوشبختی میکنیم ، در موضوع رسانه ، در

تجارت ، در اقتصاد ، در فرهنگ و روابط اجتماعی ، ما دچار همه گیری جهانی هستیم ، شاید منظور آنهاست که از دهکده جهانی وعده میدهند ، این فرضیه همه گیری جهانی بوده است! ، برای آینده مثلاً مطمئن ، واقعاً ما چه نقشی داریم ، روی این نقش بارز والگویی اندیشه کرده ایم؟ ، طرفی بسته ایم؟ ، بسته ای برای جهان آماده کرده ایم؟ هکذا ، البته ادعاهائی زیادی داریم ، ولی اثرات جهانی آن در جهت اهدافی که تحریر کردیم از طریق شاخص و مناط های فنی و استاندارد های معنوی ملاک ارزیابی هنوز منافع خود را عرضه نکرده است.

17. پندارهای حسی - ابطالی که از طریق عاریه گرفتن انجام میشود ، برای خود غرب با شکست روبرو شده است ، موضوع ارزش های نوین و پایدار که در مخیله محققان جهان موج ایجاد کرده و مرتباً شکست روش ها و منش های کشورهای خود را شاهد هستند ، برای آنان رغبتی حاصل کرده که گوش به سخنان ما بسپارند ، آنان بیشتر پاسخ میدهند یا بیشتر می خوانند تا شهروندان خودمان ، آن همه گیری جهانی که آنها خسته کرده ما را هوشیار نکرده است ، از این نظر ما در مورد آینده مطمئن خود به سر دوراهی هستیم ، این دوراهی دارای شاخه های زیادی است که بعضاً فقط شجره فراکتالی را بطور کلی می انگارد ، درختان سرو کشورمان زیبا است و با درختان سرو ینگه دنیا فرقی نمیکند، ولی یک شهر فراکتالی در ایران با یک شهر فراکتالی در ینگه دنیا از زمین تا آسمان متفاوت است ، ما ضمن اینکه نیازمند خبرگی میان رشته ای هستیم ، باید بدنبال دانش های باشیم که اولاً مفیدیت آن برای ما یقینی بوده و میوه و غنی و قابل تغذیه بار می آورد نه سبب تلخ و دارای شرنگی زهر آلود ، ما در زنجیره آزمونی و تحقیقات و مطالعاتی خود دارای چنین سلسله مراتبی نیستیم ، آرزو خیلی داریم ولی توان خودمان را برای آرزوهای فردایمان به فیلم ها ، اشعار ، و داستان سرانی و... محول کرده ایم ، آن بخش از جامعه که توانسته از تقلید بگریزد و روی پای خود به خلاقیت ادامه دهد ، از زمره امید های آینده ما هستند، در این بخش از خلاقیت از کاخ نشینی خبری نیست.

18. من با مطالعه هزاران کتاب و مقاله و تحریر حداقل 600 هزار صفحه بصورت مقاله و رساله و غیره که در کارنامه من مضبوط است ، دریافت های فراوانی از نوشته های شرق و غرب داشته و با گذشتگان تطبیق های فراوانی انجام داده ام ، دریافت ام که موج پیشگامی ، پیشروئی ، پیش تازی ، شتاب دهندگی و نظایر اینها ، شاخص و مناط فنی لازم دارد که برای احاد ملت تصریح شود و جامعه فرهیخته و فرزانه را مجاب کرده و همکاری آنان را تحریص کند ، سهم اقتصادی این امواج در صورت همه گیری ، شاهکار نظام است ، وقتی این امواج ژاپن را فراگرفت ، همه بپا خاستند و دستان دیگر را گرفتند و میثاق بستند که نباید خام بخرند و پخته صادر کنند و مازاد تجاری آنها با قیمت ارزش آنها از تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورهای بیشتر است ، ما خام فروش ماهری هستیم و مازاد تجاری ما با وزن کالا که حاکی از خام فروشی افراطی ما است ، اندکی بیشتر است ، چگونه می توانیم به تولید رونق بخشیده و به این رونق جهش بدهیم ، آن وقتی است که امواج پیشگامی ، پیشروئی ، پیش تازی ، شتاب دهندگی در قواعد مدیریت دانش مفید ، همه جامعه را از خرد و کلان در بر بگیرد ، اگر بخواهیم ، پس می توانیم ، نیروئی در خواستن است که فقط خداوند متعال میداند و بس ، بقیه از تبلور این موهبت الهی ، قصه ای بیش نمیدانند.

19. همراه با دنیای الکترونیکی ، وجود رفتارهای طبیعی ، فطری ، از سوی بسیار ژرف و از منظری دیگر بسیط و بسیار ساده و تجربیدی و فرار از پیچیدگی است ، پس به الگوهای کاربردی در این فضای پارادوکسیکال نیاز میباشد ، اولین مشکل اینست که اینترنت و با موتور جستجوی های نظیر گوگل ، حالت ایستا داشته و در هر مورد چند میلیون رکورد در اختیار جستجو گر قرار میدهد و تمام ، این جستجو گر است که در میان این انبوع اطلاعات به دنبال یک سنجاق وصل در این انبوه اطلاعات میگردد ، من با مطالعه دو ترابایت ( Two terabytes ) در 32 سال اخیر و حدود 600 هزار

صفحه در مطالعات هدف دار خود که احصاء و طبقه بندی شده است ، مهارت های لازم را از این کتاب خانه بزرگ دنیا پیدا کردم از لاهوت تا ناسوت از بزرگترین فراخترها تا کوچکترین ذره نظیر کوارک (Quark) از هبوط آدم ابوالبشر تا انسان های امروزی در این دانشنامه است ، ولی باید از دانش بالا اکادمیک و حکمت و فلسفه متعالی ، خبرگی میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر و قدرت کشف و شهود و غیره برخوردار باشید که گم گشته خود را در این اقیانوس پیدا کنید ، هنوز شغلی برای این کشف و شهود پیدا نشده و هنوز برای تقاضای هدف دار و با محتوای مشخص برای هر انسان که نیاز آموزشی داشته و بخواهد در حالت بسیطی خودش از این اقیانوس ماهی بگیرد ، ناممکن و یا بسیار اندک است ، آمارهای مختلفی با مقاصد مختلف عدد های مختلفی را در استفاده از اینترنت منتشر شده که آمار یک میلیارد نفر از 7.5 میلیارد نفر جهان حدود 13 درصد است که در کشورهای دنیا از 2 درصد تا 70 درصد متفاوت است ، دسترسی به اینترنت که برای بسیاری از مردم جهان به عنوان امری تجملی به شمار می رود به طور فزاینده ای به عنوان یک حق بشری و ابزاری ضروری جهت حضوری شایسته در جامعه نوین دیده می شود، این حق مثل سایر حقوق حقه مردم جهان در محاق قرار دارد و حالت صوری آن بر حقیقت آن می چربد .

20. ما چه موقع می توانیم از آنچه مدعی داشتن آنرا داریم در جهت مطلوبیت های خواست انسانی نظیر عدالت توزیعی ، آموزش رایگان برای همه ، رشد و تعالی و مهارت مورد لزوم همه انسان های روی زمین برای برخورداری از مشاغل پایدار و کسب و کارهای متضمن کرامت انسان داشته باشیم ، در جهت طبیعت طبیعت باشد ، در جهت محیط زیست باشد ، در جهت آن رهبری و مدیریت مسلم در جهان باشد که مدیر ماماشات نکند ، از انصاف عدول نکند و ساز و کارهایی برای این صیانت ، حراست ، امنیت ، برخورداری ها ، ... طرح ریزی و برنامه ریزی در این جهت گیری ها باشد ، اگر بگوئیم نمیشود ، **طبق فرضیه من ، ما ناتوان هستیم ، باید جمع شویم و چاره اندیشی کنیم که چگونه باید توانا**

**شویم** ، بعضی از کشورها در استفاده از مدیریت در همین هجمه کرونائی موفق بوده و بعضی دیگر از ضربه دیدن از نقصان رهبری و مدیریت ، میلیون ها انسان را به بیمارستان و بخشی از آنان را به گورستان فرستادند ، هرگز نگوئید که نمی توانید ، اگر تو نمی توانی ، کافر را به کیش می پنداری ! ، مدیران لایق در لباس های مختلف و با ابتکار و خلاقیت و قدرت کشف و شهود خود ، به کارهای بزرگ دست زدند که بخش موفق دنیا ، مدیون آنان است ، اینترنت را می توان برای بخش بسیطی ملل آماده و تجهیز کرد ، چنین مشاعلی در مسیر حقیقی که در این نامه متذکر آن هستم ، هنوز تعریف نشده است ، این مشاغل از محتوای برخوردار است که اندکی هم از صاحبان اهالی این محتوا در سراسر دنیا هستند ، جولانگاهی برای خود نیافتند ، جهان ما نسبت به گذشته ، فقیرتر و فقیرتر شده است ، ابزار های سرگرمی و پر طمطراق افزون گشته است .

21. ما در حقیقت از آن تحول خیرالبشری که در افکار خود و خیرخواهان جهان داریم ، در عصر حاضر در سراسر دنیا اندکی داریم ، که سهم عمده آنرا هم در انحصار و احتکار کسانی است که لیست های نهان و آشکار آن در اینترنت موجود است و تمام ابزار های نرم و سخت ، به عده و عده این لیست افزوده میشود ، چشم انداز روشنی که از جانب سران دنیا و یا قدرت های مدعی جهان باشد ، گویا نویدی برای افزایش این تحول خیرالبشری ندارد ، ولی بر عکس ، شاهد هستیم که شیرازه این چنین حکمرانی در سراسر جهان در حال پاشیدن و حل مسائل پیچیده ناممکن تر و عرصه های جولانگاهی آنها با مخاطرات بسیاری مواجه است ، از این تعبیر و تفسیر این چنین فهم میکنیم که موضوعات اصولی که پیرامون پیش ران بودن ، پیشگام بودن ، خلاقیت ، کارآفرینی ، همگرایی و هم افزائی و نظیر این واژگان که خیلی امروزها بکار میرود ، باید در جهت تحول خیرالبشری باشد ، ولی ما در سراسر جهان ، عکس آنرا می بینیم ، هزاره ثلاثی بحران ها و چالش های پیوست ، بخش کوچکی از این مدعا است ، یک بیداری پیدا شده و در مقابل آن یک خواب آلودگی سنگین بر کره زمین استیلاء یافته است ، آنهائیکه در مورد تبعیض نژادی از دمکراسی و آزادگی و حریت

و کرامت سخن میراندند و سازمان های حقوق بشر و بهداشت و سلامتی و امنیت راه انداختند ، از صحنه عمل گریخته اند و معلوم میشود تا حالا به مردم دنیا دروغ میفروختند و از دروغ های خود ، ذخایر و غنائم زیادی به یغما بردند ، این هرمنوتیک ، سهم بزرگی در دانشنامه بزرگ دنیا دارد !.

22. آنچه در 21 بند قبلی ملاحظه شد ، داستان بی نظمی جهانی است و کل جهان یک آشوبگری (turbulence) نظام یافته بسوی آشفتگی بیشتر است ، یعنی ما باید منتظر رخداد های ناگوار بیشتری در مقایسه با وضعیت کنونی باشیم ، بعضی ها با درکی از نوع خاکستری و بعضی دیگر از اخبار راستین وعده ای نیز با کشف و شهود درونی ، موضوع را با عمر مفید زمین و برای امکان زیست بشر در روی کره زمین بمدت هزار سال دیگر محسوب میکند و کسانی دیگر هستند عاقبت موجودیت زمین را برای حیات جانداران کره زمین 800 سال حدس میزنند و بطور کلی زمانی را برای عاقبت زمین و کن فیکون زمین بیان میکنند ، از نظر من اینها هیچ کدام دلایلی قوی و قابل اقبال عقلی برای رخداد های ناگوار بعدی نیست ، میماند بعضی اخبار ها که سرمنشاء آن با مقدرات و مشیت الهی گره می خورد ، نوع آشوب های (chaoses) مشابه عصر ما که نمونه هائی از آن در دوران گذشته حیات انسانی بوده است ، در آثار باستان و حوادث طبیعی زمین از قبیل یخبندان های بسیار سخت ، طوفان ها ، بیماری های واگیر و زیر و رو شدن های پوسته زمین در آثار تکتونیکی (Tectonics) آن حاصل از تنش های شدید و تغییر در ساختمان زمین بصورت طاقدیس ها ، گسل ها ، درزها ، چاله های بزرگ ، تشکیل رشته کوه ها ، اقیانوس ها ، زمین لرزه ها و رانش های مهیب نشان میدهد ، اینها نیز اسناد استدلال من در نوع آشوب گری روی زمین نیست ، آنچه من به آنها آشوب و بی نظمی لقب می دهم ، بد کرداری انسان و طغیان او در روی زمین است که شبیه نبردی مهلک بین شیاطین و جنیان روی زمین به مخیله انسان خطور میکند .

23. گزاره اخیر را شوخی نگیرید ، جمع غالب مردم جهان در سراسر تاریخ ، این چنین اندیشیده اند ، این چنین سرنوشت نگاری کرده ، آنقدر که از جنّ گیران ورمال ها ، دعا نویس ها ، مرتاض ، آئین های شیطانی و پرستش خدایان خیالی و یهوه پرستی در تلمود یهودی گرویدن و هزاران گرایش مختلف را تشکیل داده است ، سهمی بزرگ در ادبیات تاریخ دارد ، اقبال از حکیم و طبیب ، محقق و خردمند نداشته است ، این نوع گرایش ها با ظهور و بروز رخداد های آشوب گرانه جهان در هر عصری از اعصار دنیا هم خوانی داشته و اینک نوع مدرن آن در سراسر زمین رایج است ، موانعی که این گرایش ها برای توسعه و پیشرفت ایجاد کرده از موانعی که از تنش های شدید و تغییر در ساختمان زمین بوجود آمده است ، خیلی بیشتر و تاثیر گذارتر است ، آنقدر که مردم پای فیلم های دراکولای خون آشام ، ارباب حلقه ها ، شبیه های سازی شیطانی و جنّ و آئین های مربوط به آنها می نشینند و آجیل مصرف میکنند و لم میدهند ، و مکّیف هستند ، از سخنان حکیم و خردمند اقبالی ندارند ، وقوع قهری بعضی پدیده های اعصار و ادوار تاریخی ریشه در این مستی های مفرط دارد .

24. اگر آمیدی به آینده داریم ، بطور منطقی به آن بخش از آینده داریم که پیروان آن از آن بخش اقبالی در دل دارند و مظاهری در خورتحسین در آن بخش و یا بخش های مورد بحث ما ایجاد شده که حاکی از ظرفیت و پتانسیل های بالقوه و یا بالفعل در همان بخش نهان و یا بی التفات است ، نوع تحدید حدود من با تحدید حدود مکتب پوزیتیویسم ( The school of positivism) فرق میکند ، این مکتب تحدید حدود (delimitation) خود را در بخشی از دستگاه فلسفی اداراکات بشری قرار داد که منحصر به دستگاه حسی ، بسیطی و ساده سازی در اندیشه و در جزئیات گیر کردن و همین روند را دنبال نمودن ، که قسمت انبوهی از این مثنی و روش های و فرضیه های به ورطه ابطال سوق کرده ولی به تخریب جهان از سوی انسان هائی که شبیه ساز مظاهر غیر حقیقی هستند ، و عجباً قبولیت یافته است ، لیکن بدانید قبولیت زمینه ساز تبلور ظرفیت ها و تولید امکانات و منابعی است که انسان برای استفاده از مواد و مایه های اقبالی خود



تلاش میکند و هر جا که انسان برای آنچه اقبال کرده ، تلاش کرده ورنج زمانه راقبول نموده است، معجزه کرده است ، من تحدید حدود قواعد مدیریت دانش مفید در بخشی قراردادم که تکیه بر خردمندی قابل قبول داشته و آنهم از جنسی میباشد که توزیع منافع را برای صاحبان حق ، از حالت مماشاتی به حالت قسری و متضمن تنبیه و تشویق های بالنقد قرار میدهد ، در این روزها که هر کشوری در سونامی کرونائی با مدیریت قاطعانه و روش های قهری و جریمه ها و پاداش های بزرگی همراه کرده در نقشه جغرافیای جهان با رنگ سفید نشان داده میشود ، تعارف و مماشات ممنوع ! .

25. راه اقبالی ما که امیدی برای آینده مطمئن است ، به مرز های اقبالی معطوف میشود که فعلاً طرح سراسر جهانی نیست ، اگر تلاش شود لبه روشنائی خورشید ، بام خانه های بقیه را هم روشنی می بخشد ، تلاش 32 ساله من به یک سرواژگان (Acronym) یکتا منجر گردید که برای آن 600 هزار صفحه تحریر گردید ( رجوع شود به قسمت اول طرح مفهومی UKRM از این ابداع کننده ) ، راه حل های بدیعی و کاملاً نوین درمشی و شیوه های آن آورده شده که در مقالات و رساله های من تشریح شده است ، علم ویا دانش مفید که در عمل لقلقه زبان بود ، دارای موادی نامحدود در سراسر جهان است ، همانطور که جهان ما مخلوطی از حق و باطل است ، آمیخته ای از صحیح و سقیم است ، انباشتی از خیر و شر است ، مخلوطی از مادیات و معنویات انسان ها است که آنها را در آغوش خویش میفشارد ، این مواد عظیم خیرالبشری ... به یک گرد آورنده خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر نیاز داشت، کار ساده ای نیست ، تلاشی مبرم ، دائمی دررنجی وافر با دلی مشفقانه (Compassionate) است، یعنی خیر را برای همه خواستن ؛ دل را از کینه شستن و راه منافع حقیقی انسان را یافتن و شیوه های توزیع عدل و انصاف و ادای حقوق ملت ها را به مدیریت توانمند سپردن و... از ثمره این تلاش یک عمر مطالعه و تنظیم این مطالعات برای امور خیرالبشری کره زمین بدست می آید ، کتاب خانه های بزرگ دنیا و مطالب پراکنده در سیستم الکترونی جهان پر است از تلاش مردان و زنان خیر خواه تاریخ ، فیلسوفان در راه جستجوی حقیقت ، حکیمان ضرورت شناس ، دانشمندان ، کاشفان ، مخترعان ، محققان و... ذخیره ای گرانبها را به یادگار گذاشتند که با تحدید حدود ظالمه فیلسوفان بدکردار ، متکاتران و چپاول گر ، تجاوزکاران به نوامیس و اموال و حقوق ملت ها و... موجب گردید که این ذخایر در اسیر بایگانی در انبار هائی بنام کتابخانه ها و آرشیو ها و لوح های فشرده و غیره قرار گیرد، این است رسم سکوت حقوق جهانی ، یا مرگ حقوق ملت ها را که موجب شده است ، براین بلیه ناگوار بسیاری از دانشمندان گریه کردند و بسیاری از چپاول گران در کاخ های خود غنودند.

26. به صراحت میگویم که آن بخش از تلاش خیر خواهان که از این سبک شالوده دربرداشته ، به بیداری ملت ها کمک کرده و آن بخش که جزء افتخارات سایبرنتیک یا مهندسی ژنتیک و یا سلطه های علم و دانش نگاری ویا ابزار های سخت و نرم از علوم و فنون بوده است ، برای بشر خیر خواه که بدنبال لاکچری بازی ویا بازی سرگرم کننده بوده است ، سعادت انسانی در بر نداشته است ، لیکن وقتی گرسنه های امریکا و افریقا و هندوستان و جاهای دیگر ، حکمرانی عادلانه ای رادر آینده محتوم خود باور دارند ، برای ادامه زندگی ، بارقه ای از امید در دلشان مبشر روح و جسم آنان است، این فرصت است ، پتانسیل است ، حقیقی است ، اینها و نظیر صدها نمونه دیگر از این آموزه های حیاتی ، اقبال آور است و جهاد پسند ، مشتاق ساز و.. که در یک حکمرانی عدالت گستر معنی دار است و آنچه این طرح ابداعی سرنوشتی را رقم میزند ، فقط زمینه سازی از طریق روش های مدیریتی کاملاً متفاوت با شیوه های جدید است ، دیدن عمل خیر با شنیدن ، و عطف و خطابیه ، توصیه و سخنرانی ، و.. در این اوصاف و مشخصات آن با هم جمع شدنی نیست ، چنانکه گفتند : " دوصد گفته چون نیم کردار نیست " و مایه خیر در عمل تبلور می یابد و صاحب حق برایش انشاء می نویسد ، شاعر حماسه میگوید ، آواز خوان ترانه می خواند ، نقاش آنرا رسم امید میکند ، و... و باید گفت که خیر رساننده نه آواز خوان .

27. من در نامه بعدی و در قسمت های تکمیلی در بیان و تشریح آینده مطمئن به مرز بندی جغرافیائی این آینده ،  
چگونگی توسعه و پیشروی در این جغرافیا و شالوده و ساختار های آن خواهم پرداخت ، و من الله التوفیق و علیه التکلان

سلام و ارادت من را بپذیرید  
محمود صانعی پور  
مورخ: سوم اردیبهشت سال 1399

م. صانعیپور

DO NOT COPY